



سخن رانی

کتاب درسی نشانگر سواد ملی است

متن سخن رانی دکتر محمدیان، معاون وزیر و رییس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی در مراسم اختتامیه ی هفتمین جشنواره ی کتاب های آموزشی رشد

سلام علیکم. بسم الله الرحمن الرحیم. خداوند متعال را بسیار شاکر و سپاسگزار هستیم از این که توفیق مرحمت فرمود، در این جمع محترم و مبارک در خدمت عزیزان باشیم. در آغاز کلام، بهترین سلام ها و درودهای خودمان را تقدیم می کنیم به روح بلند و ملکوتی امام (رضوان الله علیه)، بزرگ مردی که با خلق بزرگ ترین حماسه ی تاریخ و با فراهم آوردن مناسب ترین فرصت برای اندیشه و تفکر، بزرگ انقلابی فرهنگی را بنیان نهاد و فضای مستقل اندیشیدن و بهتر زیستن را برای ملت ما فراهم ساخت. و یاد می کنیم و گرامی می داریم خاطره ی شهیدانی را که در برابر همه ی هجمه ها ایستادند و راست قامت ماندند تا این کشور جاودانه ی تاریخ باشد. آرزوی طول عمر با عزت و صحت می کنیم برای مقام معظم رهبری، همان که امروز پاسدار شهیدان و قوام بخش راه امام راحل هستند. اما هرچه داریم از بذل عنایت و توجه آن یار غایب از نظر است که از خدای متعال، به مثال خواجه ی شیراز می خواهیم، هر کجا هست خدایا به سلامت دارش.

هفته ی کتاب در جمهوری اسلامی فرصت مغتنمی است که درباره ی کتاب و پدیدآورندگان آن تأمل کنیم و ببیندیشیم، و از تلاش ها و کوشش های تولیدکنندگان ماندگارترین میراث بشری، تجلیل و قدردانی کنیم. من به نوبه ی خودم در این محفل صمیمی از همه ی اصحاب کتاب، نویسندگان، مؤلفان، ناشران، پدیدآورندگان و همه ی کسانی که در تولید کتاب سهمی دارند و می کوشند، صمیمانه تشکر می کنم؛ به ویژه از کسانی که در حوزه ی تعلیم و تربیت و در تولید کتاب های کمک آموزشی و آموزشی مشغول اند.

آموزش و پرورش ما نیازمند مساعدت و همتی جمعی است، برای ایجاد تحولی در خور نظام اسلامی و در خور ایران اسلامی. آموزش و پرورش روز به روز باید نو شود و به تربیت نسل آینده همت بگمارد. نیازهای فردای ما، این الزام را برای ما ایجاد می کند که امروز به تربیت فرزندانمان، برای زیستن در فردا و فرداهای دور، همت کنیم. بسنده کردن به آنچه که امروز برای زیستن نیاز داریم، قدری تنبلی است و به تعبیری، نشانختن آینده. حتی اگر هیچ اتفاقی هم

۱۳۹۱/۲۵
زمستان ۱۳۸۷



در روزگار ما نمی افتاد، الا این که نیازها و درخواست‌ها روز به روز متنوع ترمی شدند، باز هم ما احتیاج داشتیم، برای فردای آموزش و پرورش فکر کنیم. ترسیم فردای متعالی آموزش و پرورش نیازمند آن است که ما بر اساس طرح و فکری جامع برای آینده تصمیم بگیریم. به همین دلیل است که امروز در میان اصحاب تعلیم و تربیت و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش، از تدوین فلسفه‌ی نوین آموزش و پرورش و تدوین رهنامه‌ی آموزش و پرورش برای ۲۰ سال آینده‌ی کشور صحبت می‌شود.

و شاید مهم‌ترین عرصه‌ی تحول در آموزش و پرورش، عرصه‌ی برنامه‌ی درسی، و یکی از مؤلفه‌های اساسی نظام تعلیم و تربیت، مؤلفه‌ی برنامه‌ی درسی است. البته مؤلفه‌های دیگری مانند نظام تأمین نیروی انسانی، فضا، تجهیزات و تحقیق منابع مادی و مالی همه مهم هستند، اما همه‌ی این مؤلفه‌ها، حول و حوش برنامه‌ی درسی شکل می‌گیرند. لذا این عنصر بسیار مهم است. ما امروز در آموزش و پرورش شاهد کوششی همه‌جانبه برای تدوین برنامه‌ی درسی ملی هستیم که بتواند همه‌ی فعالیت‌های آموزشی و درسی ما را تابع یک قانون جامع سازد و محتوای آموزشی، نظام ارزش‌یابی، برنامه‌ی درسی، نظام تربیت معلم، روش‌های اجرایی و روش‌های آموزشی ما را، به نوعی با هم و در نسبتی معنادار تفسیر کند.

برنامه‌ی درسی می‌تواند شکل‌های متفاوتی پیدا کند و به اجرا درآید؛ گاهی به شکل رسمی و به صورت تجویزی و سامان یافته، و گاهی به صورت غیررسمی و غیرسامان یافته و به صورت آزاد. امروزه برنامه‌ییزان آموزشی تأکید می‌کنند، اهمیت برنامه‌های غیردرسی کمتر از برنامه‌های درسی نیست. بعضی از دوستانی که در این جمع هستند و به تدوین برنامه‌های آموزشی درسی به نوعی کمک می‌رسانند و مدد می‌کنند، شاید زمانی به کسانی که در حوزه‌ی فعالیت‌های غیردرسی تلاش می‌کردند، به عنوان رقیب می‌نگریستند. اما امروز به اعتقاد من باید این نگاه عوض شود و حتماً عوض شده است. دست‌اندرکاران این بخش نه رقبا، بلکه رفقای تلاشگر آموزش رسمی‌اند. کسانی که با پدیدآوردن‌گان مؤسسه‌های آموزشی، هم‌سو و هم‌جهت با آموزش و پرورش تلاش می‌کنند، کسانی که دست‌اندر کار تدوین و تألیف کتاب‌های آموزشی در کنار کتاب‌های رسمی هستند، و ناشرانی که با سرمایه‌گذاری فکری، معنوی و مادی ما را مدد می‌کنند، جزو مددکاران آموزش و پرورش به حساب می‌آیند و باید از آن‌ها تشکر کرد.

نقد کردن و نقاط ضعف را دیدن، چه در حوزه‌ی کتاب‌های درسی رسمی و چه در حوزه‌ی کتاب‌های آموزشی غیررسمی، کار بسیار مشکلی نیست. البته اگر از سر انصاف وارد میدان شویم، کار سنگین و پرمسئولیتی است. اما اگر کسی بدون احساس مسئولیت بخواهد کاستی‌ها را ببیند و حرف بزند، به اعتقاد من کار دشواری انجام نمی‌دهد. می‌شود ایراد گرفت، کاستی‌ها را بزرگ کرد و بیان داشت، اما نتیجه‌ی چه خواهد شد؟ گاهی دیده می‌شود که نه تنها در حوزه‌ی کتاب‌های آموزش غیر رسمی حرف زده می‌شود، در حوزه‌ی کتاب‌های رسمی هم سخنانی بر زبان‌ها جاری می‌شود، اما با تعمق و تعمد نیست. این سخنان و خرده‌گیری‌ها از سر تخصص و شناسایی موضوع نیستند. باید به این دوستان عرض کرد که اصرار شما بر این نوع خرده‌گیری‌ها و ایرادگیری‌ها چیزی نیست جز این که زحمت ما را زیاد کند و از عدم تخصص و عدم ورود علمی شما به موضوع درس پرده بردارد.

مهم‌ترین عرصه‌ی تحول در آموزش و پرورش عرصه‌ی برنامه‌ی درسی است

۲۵۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۷

۹

یکی از افتخارات مادر آموزش و پرورش، مخصوصاً در حوزه‌ی برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی این است که مادر این حوزه، برنامه‌ریزان و مؤلفان آشنا با مسائل علمی، مسائل تربیتی و حوزه‌های آموزشی، و همچنین متعهد به اصول و ارزش‌های اسلامی و هویت ملی و ایرانی داریم.

در طول ۳۰ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عالمان، اندیشمندان و متخصصانی که در حوزه‌ی کتاب‌های درسی گردآمده‌اند، عمدتاً کسانی بوده‌اند که در حوزه‌ی آموزش و پرورش، چه به صورت رسمی و چه به صورت غیررسمی تلاش کرده‌اند. کسانی بودند که دغدغه‌ی علم و آموزش و فرهنگ را داشتند؛ فرهنگی و اندیشمند بودند. اگر در این حوزه سرمایه‌گذاری کردند و اهتمام نمودند، سرمایه‌های مادی و معنوی خود را آوردند؛ تاجر و بازرگان نبودند، کسانی بودند که دغدغه‌ی فکری، آموزشی، علمی و تربیتی داشتند. یکی از نشانه‌های این ادعا، همین برگزاری جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد است که هر سال پررونق‌تر شده و هر دوره نسبت به دوره‌ی قبل با کیفیت‌تر برگزار شده است. دریافت متجاوز از دوهزار عنوان کتاب در یک سال در یک فاصله‌ی زمانی تقریباً ۹ ماهه بعد از فراخوان، و انتخاب متجاوز از ۶۰۰ کتاب قابل تقدیر و ۳۰ عنوان کتاب برگزیده، نشان از کیفیت تولیدات دارد. نشان می‌دهد که حوزه‌ی آموزش خارج از محدوده‌های رسمی، فعالانه هم‌سویی و هم‌جهتی با نظام آموزش و پرورش را تعقیب می‌کند تا این که در فرایند تعلیم و تربیت، و در فرایند یاددهی-یادگیری فرهنگ‌مدار، ایفای نقش کند. این موضوع کم‌ارزشی نیست که بشود از آن راحت گذشت.

البته قدردانی از فعالان این عرصه هم نباید خیلی با منت باشد. هر کس خوبی‌ها و نیکی‌ها را مدح می‌کند، از کارهای باارزش قدردانی می‌کند و کارهای ارزشمند را پاس می‌دارد، او در حقیقت مدح و وصف حال خود را می‌کند. نشان می‌دهد، دو چشم بینا دارد و نابینا نیست. خوبی را از بدی تشخیص می‌دهد. جامعه‌ای که نسبت به خوبی و بدی عکس‌العمل نشان می‌دهد، جامعه‌ای زنده و پویا و فعال است. این در حوزه‌ی فرهنگ و اندیشه بسیار معنادار و ضروری است.

اما دو جمله هم در دوام این سخن در حوزه‌ی نیازهای مجدد خودمان عرض کنم. من بیانی‌هی هیئت داوران را به دقت مطالعه کردم. مطالب فصل نامه‌ی جوانه که حاوی بیانی‌هی هم است، به ویژه آن چه که به صورت سوتیتر این نوشته‌ها آمده، به اعتقاد من گزینش بسیار مناسبی است. باید از داوران محترم تشکر کرد که دقت نظر داشته‌اند و هوشیارانه کتاب‌ها و تولیدات را مورد بررسی و ارزش‌یابی قرار داده‌اند و بخشی از خال‌ها را بازشناسی کرده و تذکر داده‌اند. اولین درخواست من از ناشران محترم، مؤلفان گران‌قدر و کسانی که می‌خواهند در زمینه‌ی آموزش و پرورش قلم بزنند این است که به این توصیه‌ها عطف توجه کنند. به اعتقاد من، کتاب آموزشی و کتاب درسی باید از هر لحاظ مناسب و بهترین باشد. من در حوزه‌ی کتاب‌های درسی به همکاران این تأکید را دارم که کتاب درسی نشانگر سواد ملی ماست. کتاب درسی یک رسانه‌ی ملی و ماندگار است که توجه یک ملت را به دانش به تصویر می‌کشد. لذا برنامه‌ریزان، مؤلفان، نویسندگان و سایر پدیدآوردندگان کتاب‌های درسی باید بهترین باشند. خط کتاب درسی باید خوش‌ترین خط باشد. تصویر کتاب درسی باید زیباترین باشد. صفحه‌آرایی کتاب درسی و آموزشی باید جذاب‌ترین باشد. رسم و طرح در کتاب آموزشی و درسی باید مناسب‌ترین باشد.

امروزه
برنامه‌ریزان آموزشی
تأکید می‌کنند
اهمیت
برنامه‌های غیردرسی
کمتر از
برنامه‌های درسی
نیست

۱۳۹۱/۲۵
زمستان ۱۳۸۷

۱۰

**کتاب درسی
یک رسانه‌ی ملی و
ماندگار است
که توجه یک ملت را
به دانش
به تصویر می‌کشد**

حتی **کاغذ** کتاب درسی باید مناسب‌ترین و بهترین باشد. چرا که کتاب آموزشی و کتاب درسی در دست رس بهترین‌ها و عزیزترین کسان ما، یعنی فرزندانمان قرار می‌گیرد. باسوادترین‌ها باید کتاب‌های درسی را بنویسند و متخصص‌ترین‌ها باید وارد این حوزه شوند. کتاب درسی نوشتن انصافاً کار سختی است. نوشتن کتاب درسی بانگارش کتاب‌های معمولی بسیار تفاوت دارد. کتاب درسی خاطره نوشتن نیست. شاید کسی کتابی را بنویسد و دریافت‌های خودش را به رشته‌ی تحریر درآورد و کسانی هم باشند که آن را بخوانند و از آن استفاده کنند. اما کتاب درسی تنها کتابی است که سطر به سطر آن مورد توجه قرار می‌گیرد؛ نه تنها مورد توجه دانش‌آموزان، که استعدادهای عظیمی از اهل فکر و اندیشه، به عنوان معلم و مربی، سرگرم توضیح و تفسیر همین کتاب درسی می‌شوند. باید خط به خط و کلمه به کلمه‌ی این کتاب آن قدر ارزشمند باشد که این همه هزینه‌ی آن وقت و استعداد معلمان و دانش‌آموزانمان، ما به ازای آن باشد. لذا خیلی باید دقت کرد.

به همین دلیل، در خواست من از پدیدآورندگان آثار آموزشی و کمک‌آموزشی، چه ناشران، چه مؤلفان و چه دوستانی که در کتاب‌سازی و کتاب‌پردازی همراهی می‌کنند، این است که اهتمام جدی داشته باشند و به توصیه‌هایی که دوستان صاحب‌نظر ما در هیئت داوران ارائه کرده‌اند، توجه بیشتری نشان دهند. علاوه بر این، من از همه‌ی دوستان، چه داورانی که به صورت رسمی الان وارد این حوزه شده‌اند، چه کسانی که متخصصان موضوعی و عناوین درسی هستند، و چه کسانی که از طریق رسانه‌های جمعی این پیام را می‌شنوند و کتاب درسی و مقدمات آموزش را می‌شناسند، درخواست می‌کنم وارد نقد جدی شوند. من در بدو ورودم به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درخواست کردم که **گروه منتقدان کتاب درسی** تشکیل شود و به صورت غیررسمی این کار انجام گیرد. این گروه در کنار برنامه‌ریزان و مؤلفان مستقر شود و کتاب‌ها را هم به لحاظ علمی و تخصصی اعتبارسنجی کند. هم به لحاظ فنی بر تولید آن‌ها نظارت داشته باشد، و هم بازخوردهای لازم را بگیرد. ما این کتاب را برای مخاطب خاص تألیف و تدوین می‌کنیم، پس باید مؤثر بودن آن را در مدرسه ببینیم. از این نظر نیازمند گروه منتقد هستیم.

اما نکته‌ی دیگری که در بیانی‌ی داوران نیامده است و می‌دانم که طرح آن دغدغه‌ی خاطر همه‌ی عزیزان است. ورود ما به حوزه‌ی آموزش‌های غیررسمی برای این است که آموزش‌های رسمی را تسهیل کنیم و عمق بخشیم. به علاوه، اگر در آموزش رسمی به بعضی نیازها، توانمندی‌ها و استعدادهای مخاطب پرداخته نشده است، به آن‌ها توجه شود. بخشی از کتاب‌های درسی، ناظر بر همه‌ی خواسته‌ها و نیازها و متناسب با همه‌ی استعدادهای دانش‌آموزان نیست. به تعبیر دیگر،
علی‌رغم



اعتقاد من این است که باید کتاب کاغذی عطر و بوی خود را در خانه‌ها بپرا کند

این که تمایل داریم عدالت آموزشی برقرار شود، در نظام آموزش رسمی هنوز ظرفیت خالی نسبت به عدالت آموزشی وجود دارد. پس باید حوزه‌ی آموزشی در بخش غیررسمی آموزش و پرورش، برای تحقق عدالت آموزشی و دسترسی مخاطبان به عدالت آموزشی کوشش کند و مؤلفان و ناشران محترم به این موضوع عنایت داشته باشند. دستگاه آموزش و پرورش نیز باید مراقب باشد که تولیدات این بخش مخصوص یک گروه ویژه که دارای امکان مالی بالایی هستند، نباشد. من از دوستان و همکاران عزیزم در آموزش و پرورش تقاضای جدی دارم که در حوزه‌ی نشر کتاب‌های آموزشی، موضوع **عدالت آموزشی** را از قلم نیندازند.

خوش بختانه سال گذشته **وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی** به ما به طور جدی کمک کرد و تجهیز ۳۰ هزار مدرسه‌ی آموزش و پرورش را در طرح «**یاد یار مهربان**» مورد توجه قرار داد. بخشی از دستگاه‌های فرهنگی شهرداری‌ها هم از این نوع خدمات حمایت می‌کنند. اما این حمایت‌ها باید گسترده شوند تا ان شاء الله شاهد آن باشیم که کتاب در دست‌رس همه‌ی کودکان ایرانی قرار گیرد. اگر کتاب در دست‌رس کودک و نوجوان ایرانی باشد، فرهنگ کشور تضمین می‌شود.

با آن که از وسایل آموزشی دیگری غیر از کتاب هم می‌توان استفاده کرد، اما اعتقاد من این است که باید کتاب کاغذی عطر و بوی خود را در خانه‌ها بپراکند. عطر کتاب و کاغذ باید به مشام بچه‌ها برسد. آن‌ها را باید به گونه‌ای تربیت کنیم که با کتاب، نه تنها انس بگیرند، بلکه بازی کنند و آن را لمس کنند و کتاب را جزئی از وجود خود بدانند. متأسفم باید اقرار کنم که ما در دوره‌ی جدید، گرچه شرایط و امکانات وسیعی را فراهم کرده‌ایم، اما هنوز نتوانسته‌ایم بچه‌ها را با کتاب بیش از پیش مانوس کنیم. شاید این توصیه را باید به معلمان بکنیم تا از زبان معلمان به دانش‌آموزان منتقل شود. همه‌ی معلمان بدانند که رفتار آن‌ها در مطالعه‌ی کتاب برای دانش‌آموزان الگو خواهد بود. اگر بنده امروز کتاب را دوست می‌دارم و به آن علاقه‌مندم - نمی‌توانم بگویم عشق می‌ورزم؛ چون عشق ورزیدن به کتاب شرایطی ویژه‌تر از شرایط مرا طلب می‌کند - دلپیش یک معلم خوب است؛ معلمی که خاطره‌اش برای من ماندگار است و دست مرا در دست کتاب گذاشت. کتاب را در زندگی من دانش‌آموز وارد کرد و سبب شد در زندگی هرگز از کتاب جدا نشوم.

ان شاء الله همه‌ی دوستان در این اقدام علمی و فرهنگی موفق باشند و دست‌اندرکاران این جشنواره خسته نباشند. به همه‌ی ناشران و مؤلفان کتاب‌های آموزشی هم تبریک عرض می‌کنیم که توفیق داشته‌اند، در خدمت کتاب باشند. در خدمت کتاب بودن، ارزشمند است؛ چه کتاب‌دار باشند، چه کتاب‌خوان و چه کتاب‌نویس. هرچه که با کتاب پیوند می‌خورد، ارزشمند است و خدا خالق قلم، کلمه و کتاب است. از این که وقت شما را گرفتم، عذرخواهی می‌کنم و از این که حوصله کردید، ممنونم. والسلام

۲۵۹۱۹۲
زمستان ۱۳۸۷

۱۲